

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Satire

طنز

نعمت الله مختارزاده  
شهر اسن - المان  
۱۶ نومبر ۲۰۰۹

## شکوه ۷۶

( ۱۰ ) در افغانستان :

{ ک }

دست بدست گشت چو سیب و انار  
گاهی مکیدن ، گهی دادن فشار  
بس کنم و چونکه زبان عاجز است  
گفتن آن شرم ، و ناجایز است  
وای عجب ، طالب و ایمان نگر  
رهبری دولت افغان نگر  
جمله بگفتیم ، مسلمان شویم  
مؤمن و هم صاحب ایمان شویم  
طالبی فرمود که ، صد آفرین  
برتو و بر اینهمه حاضرین  
وای عجب ، هندو مسلمان نگر  
خدمت طالب به هزاران نگر  
شرط و شرایط اصول و فروع  
یک به یکی ، جمله نمودی شروع

شرح بداد ، هم کلمه ، هم نماز  
روزه و زکات حج بی نیاز  
وای عجب ، درس مسلمان نگر  
هندی بیچاره سبق خوان نگر  
بعد ، بیستند مرا ، دست و پا  
سنت اسلام نمایند ادا  
گفت ! شوی ختنه ، ولی بعد آن  
کار تو انجام و ، شروع دیگران  
وای عجب ، ختنه سوران نگر  
طالب و مطلوب ، غزلخوان نگر  
گفتمش این ختنه چکار است و بار  
شرح بدادش بمن از اصل کار  
داد بر آوردم و گفتم ، چرا ؟  
کرده خداوند برایم اعطا  
وای عجب ، تیغ مسلمان نگر  
هم نی و هم پنبه سوزان نگر  
بسته زمن گشت ، دو دست و دهن  
ختنه شدم عاقبت ، ای وای من  
هفته شد ، ماه شد و ، سال شد  
ختنه من زخمی و بیحال شد  
وای عجب ، طالب ایمان نگر  
قطع گری ختنه افغان نگر

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

## شکوه ۷۷

( ۱۱ ) در افغانستان :

{ ل }

هفته یک روز ، جمعی طالبان  
بهر تداوی کدن و پانسمان  
بود مرا لنگی دایم به سر  
حال نگر لنگی این ختنه سر  
وای عجب ، دارو و درمان نگر  
زخمی افتاده ، هراسان نگر  
**بقیه دارد**